



### ماجرای مناظره امام باقر (ع) با اسقف اعظم مسیحیان / پاسخ قاطع کودک خردسال به یزید

امام باقر(ع) بیش از سه سال از عمر خویش را در حالی که کودکی خردسال بود در عصر جدش امام حسین(ع) گذراند و در آغاز زندگی خویش از نزدیک، حادثه خونین، اسفناک و تاریخی کربلا را شاهد بود.

امام باقر(ع) بیش از سه سال از عمر خویش را در حالی که کودکی خردسال بود در عصر جدش امام حسین(ع) گذراند و در آغاز زندگی خویش از نزدیک، حادثه خونین، اسفناک و تاریخی کربلا را شاهد بود.

به گزارش مشرق، امام محمد باقر علیه السلام، امام پنجم شیعه که طبق حدیث لوح (اهدایی حضرت فاطمه به جابر بن عبدالله انصاری) از سوی پیامبر، به لقب باقر به معنای شکافنده علوم، ملقب گردید. پدر امام باقر، «امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام»، امام سجاد(ع) و مادر ایشان، «فاطمه» معروف به امّ عبدالله (دختر امام حسن مجتبی علیه السلام) است. بنابراین نسب امام باقر، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر به دو فرزند امام علی، سیدی شباب اهل الجنه- امام حسن و امام حسین علیهما السلام، میرسد. [1] امامت امام باقر(ع) مصادف با ضعف دولت بنی امیه و درگیری امویان بر سر قدرت بود. امام باقر(ع) در این دوره، جنبش علمی وسیعی را پدید آورد که در دوره امامت فرزندش امام صادق(ع) به اوج خود رسید. امام پنجم شیعیان، سرانجام در هفتم ذی الحجه سال 114 هجری - در سن 57 سالگی - در شهر پیامبر(ص)، مدینه متوره به وسیله «هشام بن عبد الملك» مسموم و به شهادت رسید. پیکر مقدس ایشان را در قبرستان بقیع کنار پدر بزرگوارش - به خاک سپردند.

### مناظره امام باقر با اسقف اعظم مسیحیان

عصر امام باقر علیه السلام، نیز روزگار برخورد اندیشه‌های اسلامی و غیر اسلامی بود، مناظرات زیادی بین دانشمندان ادیان مختلف با امام از سوی دربار بین امیه، سازمان دهی شد. به عنوان نمونه، می توان به مناظره امام با اسقف اعظم مسیحیان، در دمشق و در مجمع سالیانه مسیحیان، اشاره کرد.

امام پیش از بازگشت از شهر دمشق و مسابقه تیراندازی که هشام ترتیب داده بود، هنگام بیرون آمدن از قصر هشام، با گروهی که در اطراف میدان مشرف به قصر تجمع کرده بودند، برخورد کرد. امام پرسید: اینان کیستند؟ پاسخ گفتند: اینها راهبان و کشیشان مسیحی هستند که در مجمع بزرگ سالانه خود گرد هم آمده‌اند و در این مکان، نشست علمی دارند و در مورد مسائل گوناگون علمی خود بحث و تبادل نظر می‌کنند. امام باقر علیه السلام عباى خود را به سر گرفت و به گونه ناشناس در مجمع مسیحیان شرکت کرد. ... در این هنگام، اسقف بزرگ مسیحیان وارد جمع شد و همگان به احترام او برخاستند. او بسیار سالخورده بود و لباسی از حریر زرد نیز بر تن داشت.

آهسته به سمت جایگاه خود گام برداشت و نشست. نگاهی به حاضرین کرد، نگاهش بر چهره تابنده امام باقر متوقف شد. آنگاه پرسید: «آیا شما از مایید یا از امت مرحومه؛ امام پاسخ فرمود: از امت مرحومه.»

آنگاه شروع به سوال از امام باقر کرد: «شما مسلمانان از کجا می‌گویید که بهشتیان می‌خورند و می‌آشامند، ولی نیاز به قضای حاجت ندارند؟ آیا دلیلی یا نمونه‌ای نظیر آن در این جهان سراغ دارید؟»

اسقف دوباره پرسید: «شما از کجا ادعا می‌کنید که نعمت‌ها و میوه‌های بهشتی کم نمی‌شوند و هر چه از آنها مصرف شود، باز به حال خود باقی می‌مانند و کاهش نمی‌یابند؟ آیا نمونه روشنی از پدیده‌های این جهان می‌توانید ذکر کنید؟» امام فرمود: «آری، نمونه بارز آن در عالم محسوسات، آتش است. شما اگر از شعله شمعی صدها چراغ بی‌فروزد، از شعله آن کاسته نمی‌شود.» امام فرمود: «آری نمونه آن، جنینی است که در رحم مادرش تغذیه می‌کند، ولی مدفوعی ندارد و نیاز به قضای حاجت پیدا نمی‌کند.» باز هم بر شگفتی اسقف افزوده شد و پرسش‌های دیگری مطرح کرد و هر بار پاسخی قانع کننده می‌شنید. تا اینکه مجلس، خاتمه یافت و همگان، پیروزی امام مسلمانان را بر اسقف مسیحیان، در مناظره را به چشم خود، دیدند. [2]

مهدویت و ظهور امام عصر در کلام امام باقر

امامان معصوم علیهم السلام به جهت اهمیت مسئله مهدویت و غیبت دوازدهمین حجت الهی، در فرصت‌های مناسب از عصر ظهور سخن گفته و شیعیان را با نشانه‌ها، علائم و ویژگی‌های دولت کریمه حضرت قائم علیه السلام آشنا ساخته‌اند. این آگاهی‌ها و اطلاع‌رسانی آن ستارگان هدایت موجب شده است که اهل ایمان و منتظران حکومت عدل حضرت مهدی

علیه‌السلام بیش از پیش امیدوار و دل‌بسته آن عصر گشته، نسل‌های بعدی را نیز با این فرهنگ مأنوس کنند.

ایرانیان زمینه ساز ظهور در کلام امام باقر

امام باقر، در وصف ایرانیان زمینه ساز ظهور، بشارتی اعجاب برانگیز، می‌فرماید و ایرانیان و قوم سلمان فارسی را به فتحی عظیم و پیروزی بزرگ و درک محضر و حضور حکومت جهانی امام عصر، بشارت می‌دهند. مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه، از قول امام باقر، چنین نقل می‌کند:

كَأَيِّ قَوْمٍ قَدْ حَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ تَقْسِي لِمَا صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. [3]

(امام باقر خطاب به ابو‌خالد کابلی): من به قومی، می‌نگرم که از طرف مشرق زمین به پا می‌خیزند. آنان به دنبال طلب حق و ایجاد حکومت الهی تلاش می‌کنند. بارها از متولیان، اجراء حق را خواستار می‌شوند، اما با بی‌اعتنایی مواجه می‌شوند. وقتی که وضع را چنین ببینند، اسلحه‌های خود را به دوش می‌نهند و با اقتدار و قاطعیت تمام در انجام خواسته‌شان اصرار می‌ورزند تا این که سردمداران حکومت نمی‌پذیرند و آن حق طلبان ثابت قدم، ناگزیر به قیام و انقلاب می‌گردند و کسی نمی‌تواند جلوگیری‌شان شود. این حق‌جویان وقتی که حکومت را به دست گرفتند، آن را به غیر از صاحب الامر علیه‌السلام به کس دیگری نمی‌سپارند. کشته‌های اینها همه از شهیدان راه حق محسوب می‌شوند.

در اینجا امام باقر علیه‌السلام به ابو‌خالد کابلی، جمله‌ای زیبا فرمود که می‌تواند نصب العین همه منتظران لحظات ظهور باشد. آن حضرت فرمود: أما إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتُ تَقْسِي لِمَا صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ مطمئن بدان! اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر علیه‌السلام تقدیم می‌دارم. این بخش از روایت، نشان می‌دهد بین حکومت ایرانیان زمینه ساز ظهور و قیام امام عصر، به اندازه عمر یک انسان معمولی، فاصله می‌باشد که امام باقر، چنین می‌فرماید.

علت نامگذاری امام عصر به قائم در کلام امام باقر

امام محمد باقر، در پاسخ به پرسش ابوحمزه ثمالی از علت نامگذاری آن حضرت به قائم- چنین فرمود: چون جدّم حسین علیه‌السلام کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عزّ و جلّ فریاد برآوردند که: ای خدای و سرور ما! آیا از کسانی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهترین آفریده تو را می‌کشند چشم می‌پوشی؟ خداوند عزّ و جلّ به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من! آرام گیرید؛ به عزّت و جلالم سوگند از آنان انتقام خواهم گرفت گر چه به طول انجامد. آن گاه خداوند عزّ و جلّ امامان نسل حسین علیه‌السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند. در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز می‌خواند. خداوند فرمود: با این قائم (ایستاده) از آنان انتقام می‌کشد!

الإمامُ الباقرُ عليه السلام و قد سأله الثمالي عن علّة تسمية القائم قائماً لما قتل جدّي الحسين صلي الله عليه ضجّت الملائكة إلى الله عزّوجلّ بالبكاء و التحيب، و قالوا: إلهنا و سيّدنا، أتعقلُ عمّن قتل صوّتكَ و ابن صوّتِكَ، و خيّرَكَ من خلقِكَ؟! فأوحى الله عزّ و جلّ إليهم: قروا ملائكتي، فوّ عرّتي و جلاي لأنتقمنّ منهم و لو بعدَ حين. ثمّ كشف الله عزّ و جلّ عن الأئمة من وُلد الحسين عليه السلام للملائكة، فسرتّ الملائكة بذلك، فإذا أحدّهم قائمٌ يُصلي، فقال الله عزّ و جلّ: بذلك القائم أنتقم منهُم. [4]

بانوان در حکومت جهانی امام عصر

بدون تردید بانوان شایسته و متعهد در دولت آن حضرت جایگاه ارزشمندی دارند. نقش زن در آن زمان همانند زنان صدر اسلام، فراخور حال آنان و نسبت به موقعیت ویژه‌شان خواهد بود؛ یعنی همان رسالتی که یک زن مسلمان طبق آیین اسلام به دوش گرفته است، در عصر ظهور نیز به آن پایبند خواهد بود. آنچه از روایات بر می‌آید، آن است که عده‌ای از کارگزاران آن حضرت از بانوان ارجمند هستند. جابر بن یزید جعفی از یاران نزدیک امام محمد باقر علیه‌السلام به نقل از آن حضرت فرمود: وَ يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَ بَضْعَةُ عَشْرٍ رَجُلًا فِيهِمْ حَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ. [5]

به خدا سوگند! 313 نفر یاران مهدی علیه‌السلام می‌آیند که پنجاه نفر از آنان زن می‌باشند و بدون هیچ‌گونه وعده قبلی در شهر مکه گرد هم جمع می‌شوند.»

مدت حکومت امام زمان در بیان امام پنجم

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم 309 سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند، زمین را پر از عدل و قسط می‌کند، چنان‌که از ستم پر شده باشد؛ پس خداوند برای او، شرق و غرب زمین را می‌گشاید و به شیوه سلیمان بن داوود سلوک نماید، آفتاب و ماه را صدا می‌کند، پاسخ او را می‌دهند و زمین برای او در نور دیده شود و به او وحی می‌رسد؛ پس به امر الهی به وحی عمل می‌کند.» [6]

رجعت در عصر ظهور در بیان امام باقر

اندیشه «رجعت» از ویژگی‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام است و پیروان آن مکتب با الهام از قرآن و سنت بر این باورند که گروه‌هایی از پیشینیان در هنگام ظهور قائم آل محمد به این دنیا بازخواهند گشت. سپس دوباره قبض روح شده و در روز قیامت محشور خواهند شد.

این اعتقاد مسلم شیعی برگرفته از آیات قرآن است. در آیات متعددی به رجعت گروه‌هایی از مردم در گذشته اشاره شده است. زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل (سوره بقره، آیه 5)، زنده شدن کشته شده بنی اسرائیل در داستان بقره (سوره بقره، آیه 72)، زنده شدن عزیر بعد از صد سال (سوره بقره، آیه 259)، و داستان اصحاب کهف (سوره کهف، آیه 12) نمونه‌هایی از «رجعت» در اقوام پیشین هستند که آیات الهی به آن پرداخته است. اگر اعتقاد به رجعت، امری محال و غیر قابل قبول بود، پس این همه تأکیدات قرآن را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ امام باقر علیه السلام بر این باور و حیانی شیعه در مناسبت‌های مختلف، تأکید نمودند.

از این رو سید مرتضی از علمای شیعه با دریافت معارف و احادیث امام باقر، چنین نقل می‌کنند: خداوند متعال در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از شیعیان را زنده می‌کند تا به ثواب نصرت و یاری آن حضرت نائل آمده و برقراری دولت حقه مهدوی را نظاره کنند و طعم شیرین حکومت آن گرامی را بچشند و گروهی دیگر از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را محشور می‌گرداند تا از آنان قبل از قیامت انتقام گرفته و آنان نیز در این دنیا ذلت و خواری کفر و نفاق را احساس نمایند. و نیز شیخ مفید، از بزرگ‌ترین اندیشه پردازان مکتب اهل بیت علیهم السلام، چنین می‌گوید: در هنگام قیام قائم علیه السلام کسانی که مؤمن خالص و یا کافر خالص باشند، به این جهان باز می‌گردند و غیر این دو گروه، رجعتی نخواهند داشت. [7]

امام باقر، شاهد حادثه کربلا

امام باقر(ع) بیش از سه سال از عمر خویش را در حالی که کودکی خردسال بود در عصر جدش امام حسین(ع) گذراند و در آغاز زندگی خویش از نزدیک، حادثه خونین، اسفناک و تاریخی کربلا را شاهد بود. یعقوبی نقل می‌کند که حضرت باقر(ع) فرمود: "هنگامی که جدّم حسین بن علی(ع) به شهادت رسید، من چهار ساله بودم و شهادت آن حضرت و آنچه که در آن روز بر ما گذشت را به یاد دارم..." [8]

ماجرای مقابله امام باقر با یزید بعد از حادثه کربلا

بعد از حادثه کربلا و شهادت جانسوز امام حسین در عاشورا، خاندان اهل بیت به اسارت و مظلومیت و به عنوان خارجی (خروج کنندگان بر علیه بنی امیه)، رهسپار سرزمین شام و حکومت بنی امیه، شدند. اما حضرت زینب، با الگو از خطبه فدکیه حضرت فاطمه در روز غصب ولایت امام علی، خطبه غرایی را ایراد، فرمودند. لکن اوج رسوایی یزید در خطبه امام سجاد(ع) در مسجد شام بود، خطبه‌ای طولانی که به رسوایی و آگاهی مردم شام، انجامید.

حتی در این مجلس امام باقر(ع) هم که در سن کودکی، بود با یزید مقابله کرد، و او را رسوا ساخت. ماجرا از این قرار بود که یزید با اطرافیانش در مورد اسراء مشورت می‌کند، اطرافیان یزید، به او مشورت و پیشنهاد دادند همه را به قتل برسان. اینجا امام باقر(ع) در سن کودکی، شروع به سخن می‌کند: بعد از حمد و ثناء الهی به یزید خطاب می‌کند: سفارش اطرفیان بر خلاف سفارش اطرفیان فرعون در امر موسی(ع) و هارون(ع) است، زیرا آنان در مشورت به فرعون، گفتند: به آن دو (موسی و هارون) مهلت بده، ولی اینان (اطرفیان یزید)، کشتن ما خاندان اهل بیت پیامبر را به تو سفارش کردند، این امر، علتی دارد! یزید گفت: علتش چیست؟ امام باقر(ع) فرمود: آنان (اطرفیان فرعون) حلال زاده بودند و اینان (اطرفیان یزید) حرام زاده؛ و همانا، پیامبران و فرزندان‌شان را جز حرام‌زادگان نمی‌کشند! یزید در مقابل این استدلال کودکی امام باقر، درمانده می‌شود و جوابی ندارد جز اینکه مدتی در فکر فرو می‌رود و بعد هم دستور می‌دهد با بردن آنان از مجلس، رسوایی اش، بیش از این نشود. [9]

منبع: فرهنگ نیوز

\*پی نوشت:

- [1] شیخ مفید، الارشاد، ج2، ص158
- [2] کلینی، کافی، ج 1، ص 471
- [3] نعمانی، الغیبة، ص 273
- [4] مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۸
- [5] مجلسی، بحار الانوار، ج 52، ص 222
- [6] مجلسی، بحارالانوار، ج 52، ص 290
- [7] مع الشيعة الامامية، ص 138-139
- [8] تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 320
- [9] مسعودی، اثبات الوصیه، ص 181